



تربیت سیاسی نسل دیجیتال زد و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

علی دارابی^۱

چکیده:

این مقاله به بررسی تربیت سیاسی نسل دیجیتال زد (متولدین اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۱۰) و نقش آن در فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. نسل زد، به عنوان اولین نسل کاملاً دیجیتال، ویژگی‌های منحصر به فردی در نحوه دریافت اطلاعات، شکل‌گیری هویت و تعامل با مسائل سیاسی دارد. همچنین این تحقیق، تلاش دارد تا با تکیه بر مبانی نظری جامعه‌پذیری سیاسی، مفهوم فرهنگ سیاسی دیجیتال و ویژگی‌های نسل زد، چگونگی تربیت سیاسی این نسل در بستر جامعه ایران و تاثیرات بالقوه آن بر مولفه‌های توسعه سیاسی (مانند مشارکت، پاسخگویی و نهادسازی) مورد تحلیل قرار دهد. یافته‌ها و نتایج که براساس مطالعه اسناد، مقالات علمی، گزارش‌ها و تحلیل محتوای رسانه‌های مرتبط با نسل زد مانند شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین به دست آمده، نشان می‌دهد که تربیت سیاسی نسل زد در ایران با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی روبروست؛ از یک سو، دسترسی گسترده به اطلاعات و پتانسیل بالای مشارکت دیجیتال می‌تواند به عنوان پیشران توسعه سیاسی عمل کند، اما از سوی دیگر، شکاف نسلی، مواجهه با اطلاعات غیردقیق و گاهی ناامیدی از اثربخشی کنش سیاسی، می‌تواند به مانعی برای این فرآیند تبدیل شود.

واژگان اصلی: تربیت سیاسی، نسل زد، توسعه سیاسی، فرهنگ سیاسی دیجیتال، مشارکت سیاسی جوانان، رسانه‌های نوین، هویت سیاسی.

۱. مقدمه

نسل زد (Gen Z)، که معمولاً افرادی را که بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۲ متولد شده‌اند در بر می‌گیرد، به عنوان قشر جوان و آینده‌ساز جوامع، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به مسیر توسعه سیاسی ایفا می‌کند. این نسل، که بزرگترین نسل در تاریخ جهان محسوب می‌شود، اولین نسلی است که از بدو تولد با فناوری‌های دیجیتال، اینترنت پرسرعت و رسانه‌های اجتماعی احاطه شده است. این ویژگی، نحوه جامعه‌پذیری سیاسی، درک آن‌ها از مفاهیم سیاسی و الگوهای رفتاری‌شان را به طور قابل توجهی از نسل‌های پیشین متمایز می‌سازد. در جمهوری اسلامی ایران نیز، این نسل بخش قابل توجهی از جمعیت جوان را تشکیل می‌دهند. بطور قطع شناسایی ویژگی‌های تربیت سیاسی نسل زد در ایران و تحلیل تأثیر این تربیت بر مولفه‌های توسعه سیاسی (مانند مشارکت، هویت، اعتماد و...)، تبیین و شناخت نگرش‌ها و کنش‌های سیاسی آن‌ها و نیز شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی تربیت سیاسی نسل زد در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تأثیر بسزایی بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی کشور داشته باشد.

در این راستا مسأله اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه چگونه فرآیندهای تربیت سیاسی که نسل زد در جمهوری اسلامی ایران تجربه می‌کنند، بر شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی این نسل تأثیر گذاشته و این تأثیرات چگونه می‌توانند به عنوان پیشران یا مانعی در مسیر توسعه سیاسی کشور عمل کنند؟ به عبارت دیگر، آیا تربیت سیاسی فعلی، نسل زد را برای مشارکت سازنده در فرآیند توسعه سیاسی آماده می‌کند یا شکاف‌ها و چالش‌های موجود، مانع این امر خواهد شد؟

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در زمینه تربیت سیاسی جوانان و تأثیر آن بر توسعه سیاسی صورت گرفته است. در حالیکه مطالعات غربی بیشتر بر نقش رسانه‌های اجتماعی و چالش‌های دموکراسی دیجیتال تمرکز دارند (Kahne, Hodgins, & Eidman-Aadahl, 2017)، مطالعات داخلی (تمرکز بر بافت ایران) عمدتاً از سه زاویه مختلف به این موضوع پرداخته‌اند: برخی همچون دوست محمدی و عباس زاده (۱۴۰۲) در مقاله «زمینه‌ها و پیامدهای مشارکت نسل زد در تنش‌های سیاسی-اجتماعی ایران (۱۴۰۱-۱۳۹۶)»؛ اسدی و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله «سنجش رویکرد نسل زد در ایران به

شاخص‌های مذهبی و فرهنگ بومی» و ازارعی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «تیین اثرات شکاف نسلی بر هویت اجتماعی - سیاسی دانش آموزان شهر تهران» ضمن بررسی شکاف نسلی در گرایش‌های سیاسی به این نتیجه رسیده‌اند که نسل زد در ایران، نسبت به نسل‌های قبل (۶۰ و ۷۰)، فاصله معنایی و ارزشی بیشتری با گفتمان رسمی دارد. این پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که روش‌های سنتی تربیت سیاسی (مانند سخنرانی‌های رسمی یا کتب درسی صرف) برای این نسل کارایی خود را از دست داده‌اند.

دسته‌ای دیگر از آثار همچون کشاورز (۱۴۰۲) در مقاله «هویت یابی دیجیتالی نسل نوجوان و منازعه در سپهر اجتماعی (چارچوبی برای تحلیل)» ضمن بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت سیاسی: نشان می‌دهد که اینستاگرام و توئیتر (X) به عنوان «منبع اصلی خبر» جایگزین رسانه‌های رسمی همچون صداوسیما شده‌اند. این تغییر باعث شکل‌گیری «سیاست‌های افقی» شده است؛ یعنی جوانان به جای پیروی از رهبران سنتی، به الگوهای غیررسمی و اینفلوئنسرها اعتماد می‌کنند. و مطالعات دسته سوم همچون سردارنیا (۱۳۹۰) در مقاله «ضرورت مشارکت سیاسی نسل سوم جوانان در ایران، نقد تشکل‌های مشارکتی و پیشنهاد مدل کارآمد» نشان می‌دهد که نسل زد به دنبال «مشارکت در تصمیم‌گیری» است، نه فقط «حضور در انتخابات». آن‌ها از ابزارهای دیجیتال برای بسیج، پتیشن‌نویسی و کمپین‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

در مجموع این تحقیقات تلاش دارند نشان دهند که:

الف) توسعه سیاسی در ایران نیازمند گذار از «تربیت تحمیلی» به «تربیت تعاملی» است تا بتواند نسل زد را در فرآیند سیاسی مشارکت دهد.

ب) مرجعیت خبری برای نسل زد تغییر کرده و نهادهای رسمی باید زبان خود را با فضای دیجیتال همسو کنند.

ج) توسعه سیاسی در ایران با چالش «خروج از چارچوب‌های نهادی» مواجه است و باید مکانیزم‌هایی برای تبدیل این انرژی‌های غیررسمی به مشارکت سازنده طراحی کند.

د) پژوهش‌های غربی (مانند کارهای یانگ و همکاران) نشان می‌دهند که نسل زد، تعریف جدیدی از شهروندی دارد که در آن «حقوق دیجیتال» و «حریم خصوصی» در کنار حقوق سیاسی سنتی قرار می‌گیرد. آن‌ها معتقدند توسعه سیاسی بدون تضمین آزادی‌های دیجیتال ممکن نیست. این نظریه به ما می‌گوید که برای توسعه سیاسی در ایران، باید مسائل مربوط به فیلترینگ، امنیت داده‌ها و

آزادی بیان در فضای مجازی را به عنوان بخشی از حقوق سیاسی در نظر گرفت. همچنین این یافته‌ها هشدار می‌دهد که اگر فضای دیجیتال ایران بدون مدیریت هوشمند باقی بماند، می‌تواند به جای توسعه سیاسی، به قطبی شدن شدید و بی‌اعتمادی سیستماتیک منجر شود.

همچنین با مرور این پیشینه مطالعاتی، می‌توان به این خلأها اشاره کرد که اکثر پژوهش‌های داخلی کیفی هستند و آمار دقیقی از میزان نفوذ نسل زد در ساختارهای رسمی قدرت وجود ندارد. دیگر اینکه، بیشتر پژوهش‌ها به «تشخیص مشکل» می‌پردازند، اما راهکارهای عملی و اجرایی برای بازسازی اعتماد بین دولت و نسل زد کمتر ارائه شده است.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

۳-۱. تربیت سیاسی: فرآیندی است که از طریق آن افراد، ارزش‌ها، نگرش‌ها، دانش و مهارت‌های سیاسی لازم برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه را کسب می‌کنند. این فرآیند شامل آموزش رسمی (در مدارس و دانشگاه‌ها) و غیررسمی (از طریق خانواده، رسانه‌ها، گروه‌های همسال و تجربیات اجتماعی) است. جان الیاس در بیان مفهوم تربیت سیاسی می‌نویسد: تربیت سیاسی پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است و اموری همچون تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد یک همبستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی از جمله اهدافی است که برای تربیت سیاسی ذکر می‌کند (الیاس، ۱۴۰۰: ۱۸۵).

بحث تربیت سیاسی از مهمترین مباحث در راستای تکوین، تثبیت و ترویج ارزش‌های هر حکومتی است که به مدد نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی، طی فرایندهای مختلف انجام می‌گیرد. تمامی نظام‌های سیاسی موجود در جهان، نیازمند استفاده از قدرت نرم و الزامات آن هستند تا به قول ماکس وبر انحصار سلطه خشونت به مشروعیت و پذیرش از سوی جامعه تبدیل گردد. در حالی که نظریه‌های کلاسیک بر نقش خانواده، مدرسه و گروه‌های همسال در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی تأکید داشتند، ظهور فناوری‌های دیجیتال، مدل جامعه‌پذیری سیاسی را دگرگون کرده است. نسل زد، که به عنوان «بومیان دیجیتال» شناخته می‌شوند، از طریق پلتفرم‌های آنلاین، شبکه‌های اجتماعی و دسترسی بی‌سابقه به اطلاعات، به طور مداوم در معرض پیام‌های سیاسی قرار دارند. این امر باعث

شده تا نهادهای سستی جامعه‌پذیری، قدرت کمتری نسبت به گذشته داشته باشند و فرآیند تربیت و یادگیری سیاسی، سیال‌تر، پراکنده و گاهی متناقض شود (O'Connor, 2020:2).

۲-۳. نسل زد: جمعیت شناسان، به طور کلی کسانی را که در سال‌های میانه دهه ۱۹۹۰ تا ابتدای دهه ۲۰۱۰ میلادی (متولدین میانه دهه ۱۳۷۰ تا انتهای دهه یا ۱۳۸۰ دهه یا هشتادی‌های ایران) به دنیا آمده‌اند را متولدین «نسل زد یا «زومرها» معرفی می‌کنند. فتحی و مطلق (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن و فاصله نسلی» از چهار دسته مختلف برای نسل‌های پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نام می‌برند:

۱. نسل اول: کسانی هستند که فضای ذهنی آنان در آستانه انقلاب اسلامی تا حدی شکل گرفته بود و بلوغ عقلی داشتند و حتی انقلاب کردند. اینان امروز به تدریج زندگی را به نسل بعدی واگذار می‌کنند.
 ۲. نسل دوم: آن‌هایی که در آستانه انقلاب ۱۶-۱۵ ساله بودند و امروز نقشی در اداره کشور دارند.
 ۳. نسل سوم: گروه سنی که در دوران انقلاب کودک (زیر ۱۰ سال) بودند و حالا جوانانی هستند که در سن اشتغال قرار دارند.

۴. نسل چهارم: نسل زد و آلفا، دهه هشتادی و نودی به تعبیر جهانی نسل زد یعنی نسلی که گروه سنی تا ۳۰ سال دارند (فتحی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

جمعیت پرشمار و تفاوت‌های خاص این نسل با گروه‌های جمعیتی پیشین اهمیت شناخت ابعاد گوناگون شخصیتی و فهم ادراک ذهنی آنان را ضروری می‌کند. این نسل، به طور مشخص، در فضایی به دنیا آمده که اینترنت جزئی ذاتی از آن بوده و این پدیده (که نسل‌های پیشین، روزگار پیش از آن را هم به یاد می‌آورند)، همیشه برای آن‌ها حاضر بوده است. در بیانی شفاف‌تر نسل زد از همان ابتدا در دنیای فناوری و اینترنت بزرگ شده است. این نسل اولین گروهی است که دوران نوجوانی و جوانی خود را با گوشی هوشمند، شبکه‌های اجتماعی و فضای آنلاین سپری کرده است (Abou Karam, 2023:7-18).

زندگی دیجیتال، علاوه بر راحتی و آزادی، فشارهای روانی خاصی هم به همراه داشته است. نسل زد زمان زیادی را در فضای مجازی می‌گذراند و همین مسأله گاهی باعث احساس تنهایی، اضطراب و مقایسه مداوم با دیگران می‌شود. غوطه‌وری در دنیای مجازی فرصت‌های فراوانی برای یادگیری، خلاقیت و ارتباط ایجاد کرده، اما در کنار آن چالش‌هایی مانند اضطراب، حواس‌پرتی و

کاهش تعاملات حضوری را نیز به همراه داشته است. در نتیجه، اعضای این نسل اغلب در زمینه‌ی استفاده متعادل از فضای دیجیتال با چالش روبه‌رو هستند (Papacharissi, 2015).

مطالعات نشان می‌دهند که نسل زد تمایل بیشتری به فردگرایی، تنوع‌پذیری، و عمل‌گرایی دارد. آن‌ها به دنبال معنا در هویت خود هستند و ممکن است نسبت به هویت‌های سنتی (مانند ملیت یا دین) نگاهی انتقادی‌تر داشته باشند یا آن را با هویت‌های دیگر (مانند هویت‌های مبتنی بر علاقه‌مندی‌ها، سبک زندگی یا باورهای جهانی) ترکیب کنند. این ویژگی‌ها بر شکل‌گیری هویت سیاسی آن‌ها تاثیر گذاشته و می‌تواند منجر به رویکردهای متفاوتی در قبال مسائل سیاسی شود.

در عین حال، این نسل ارزش زیادی برای استقلال فردی قائل است. درک مسئولیت‌پذیری در این نسل در حال بازتعریف است و نسل زد به دنبال معنا و اثرگذاری در اقدامات خود است. فردگرایی در میان آن‌ها به معنای تلاش برای رشد شخصی و دستیابی به اهداف فردی است، نه صرفاً فاصله گرفتن از جمع. چالش این نسل، پیدا کردن تعادل بین استقلال فردی و ارتباط انسانی است.

تحولات فناوری، جهانی‌سازی و توسعه شبکه‌های اجتماعی، هویت، باورها و الگوهای رفتاری نسل زد را دگرگون کرده است. نسل زد در ایران حدود ۲۰ تا ۲۲ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد و برخلاف نسل‌های قبل، تمایل کمتری به پذیرش بدون تأمل سنت‌ها، باورهای مذهبی و ارزش‌های فرهنگی نسل‌های گذشته دارد. این نسل بیشتر از طریق فضای مجازی با مفاهیم دینی و فرهنگی مواجه می‌شود و بنابراین، نحوه درک و تعامل آن‌ها با دین و فرهنگ بومی به شدت تحت تأثیر این محیط قرار گرفته است. این تغییرات باعث شده است که ساختارهای سنتی انتقال دین و فرهنگ بومی، دیگر قادر به جذب و تأثیرگذاری بر این نسل نباشند.

مطالعات انجام شده در زمینه فرهنگ بومی نشان می‌دهد که نسل زد در مقایسه با نسل‌های قبلی، نه تنها کمتر تحت تأثیر سنت‌های فرهنگی قرار دارد و بیشتر به فرهنگ جهانی و مصرف محتوای غربی تمایل دارد بلکه تمایل چندانی هم به پذیرش بدون تأمل ارزش‌های فرهنگی نسل‌های قبلی ندارد. این موضوع نشان می‌دهد که فرهنگ بومی در میان این نسل کمرنگ شده و نیاز به راهبردهای نوین در حفظ و انتقال آن است (کوثری، ۱۳۸۷: ۶۵؛ پارساکیا و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۴).

همچنین، این نسل بیشتر به دنبال بازنمایی‌های خلاقانه و شخصی از فرهنگ است.

نسل زد از نظر سیاسی و اجتماعی منعطف‌تر و آگاه‌تر از نسل‌های گذشته است. آن‌ها با جریان آزاد اطلاعات بزرگ شده‌اند و به راحتی به منابع خبری متنوع دسترسی دارند. در جمهوری اسلامی

ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، این نسل خواهان شفافیت، عدالت اجتماعی و اصلاحات تدریجی است. برخلاف نسل‌های گذشته، کمتر گرایش به پیروی کورکورانه از جریان‌های سستی دارد و تمایل دارد دیدگاه‌های خود را با تحلیل شخصی شکل دهد. از همین رو، تحلیل‌گران اجتماعی معتقدند حضور فعال نسل زد در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی، مسیر آینده جوامع را به‌طور چشمگیری تغییر خواهد داد.

۳-۳. توسعه سیاسی: توسعه سیاسی از مفاهیم جامعه‌شناختی وابسته به علوم سیاسی است که در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. با وجود پیشرفت‌های شگرف در زمینه توسعه سیاسی، هنوز ابهامات زیادی در رابطه با این دانش‌واژه وجود دارد و دانشمندان حوزه‌های متفاوت، تعاریف گوناگونی از توسعه سیاسی ارائه می‌کنند. فرانسیس هاگوپیان در تعریف توسعه سیاسی می‌نویسد: «توسعه سیاسی را می‌توان به معنای بسط و رشد ظرفیت جوامع برای سامان دهی کنش سیاسی و فراهم کردن زمینه مورد نیاز برای اعمال و کنترل و حکمرانی توسط دولت‌ها دانست. در این راستا مطالعات توسعه سیاسی باید بر بسط و گسترش الگوهی تجمع سیاسی، راه‌ها و مسیرهای مشارکت سیاسی، نهادهای رسمی و غیر رسمی نمایندگی سیاسی (اعم از پارلمان، کمپین‌های سیاسی و غیره) و الگوهای حکمرانی متمرکز شود.» (Hagopian, 2000:880).

لوسین پای و سیدنی وربا پس از بحث‌های گسترده درباره توسعه سیاسی در کتاب «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، یازده تعریف را به عنوان تعاریف توسعه سیاسی مطرح و نقد می‌کنند و در نهایت تعریفی را از توسعه سیاسی به عنوان یک پدیده سه وجهی با مشخصات «برابری و مشارکت سیاسی»، «ظرفیت سیستم سیاسی برای ایجاد ثبات و آرامش در جامعه و اقتصاد» و «تمایز کردن و تخصصی کردن ساختارهای اداری و کارکرد آن‌ها» ارائه می‌دهند (Pye & Verba, 1965:13).

مسئله‌ای که اینجا باید به آن توجه نمود اینست که معیارهای توسعه سیاسی از جامعه‌ای به جامعه دیگر دستخوش تحول می‌شود. از اینرو است که در طول بیش از ۸۰ سال نظریه‌پردازی در زمینه توسعه سیاسی، هیچ اجماعی در زمینه پارامترهای توسعه سیاسی وجود ندارد؛ اگر هم در مورد برخی پارامترهای توسعه سیاسی، توافق وجود دارد، این مسئله خود از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. مثلاً عده‌ای مشروعیت سیاسی را به عنوان یکی از پارامترهای توسعه سیاسی قلمداد می‌کنند اما از آنجا که با نظام‌هایی با ساختار هنجاری متفاوت روبرو هستیم، تعبیرهای مختلفی از این

مسأله صورت می‌گیرد. مثلاً در شوروی سابق، تمرکز گرایی در حکومت، پایه مشروعیت تلقی می‌شد. اما این شیوه مورد پسند نظام‌های لیبرال نبود و این نوع مشروعیت را عین دیکتاتوری می‌دانستند. در مقابل سوسیالیست‌ها نیز، سیستم دموکراتیک غرب را مورد حمله قرار می‌دادند و مشارکت سیاسی آن‌ها را نوعی بازی می‌دانستند.

لازم به توضیح است که هر نظامی از جمله جمهوری اسلامی ایران تجارب خاصی در فرآیند توسعه سیاسی دارد. زیرا این فرآیند با نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عوامل طبیعی هر جامعه‌های ارتباط دارد و تحت تأثیر این متغیرها شکل می‌گیرد. بدیهی است مجموعه این دگرگونی‌ها و تغییرات، نابسامانی‌هایی را به همراه دارد و تنها یک نظام کارآمد قادر خواهد بود تا مشکلات ناشی از این تحولات را به نحو صحیحی ارزیابی کرده ارتباط میان این متغیرها را در فرآیند توسعه سیاسی مشخص نماید.

بر این اساس در تحقیق حاضر «توسعه سیاسی» فرآیندی است که براساس آن، نه تنها نظام سیاسی دچار تنوع ساختاری شده و زیر سیستم‌های نظام سیاسی از استقلال نسبی برخوردار می‌شوند بلکه به بهبود مستمر نهادهای سیاسی، افزایش ظرفیت پاسخگویی دولت، گسترش مشارکت سیاسی شهروندان و بویژه نسل زد، تقویت حاکمیت قانون و ارتقای فرهنگ سیاسی مدنی اشاره دارد (دارابی، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۲). همچنین توسعه سیاسی، بار «ارزشی» دارد چرا که همراه با توسعه سیاسی، مباحث هنجاری و باید و نبایدها مطرح می‌شوند و نفس این مسأله چالش برانگیز است.

۳-۴. فرهنگ سیاسی دیجیتال: این نوع از فرهنگ سیاسی به مجموعه‌ای از الگوهای

فکری (نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های سیاسی)، رفتاری و تعاملی اشاره دارد که در فضای سایبر و با استفاده از ابزارهای دیجیتال مثل اینستاگرام، تلگرام، ایکس (تویتر سابق)، یوتیوب، تیک‌تاک، پیام‌رسان‌ها، و حتی پلتفرم‌های داخلی شکل می‌گیرد. در بیان ساده‌تر وقتی سیاست دیگر فقط در حزب، روزنامه، تلویزیون یا انتخابات رخ نمی‌دهد، بلکه در استوری، هشتگ، میم، کلیپ کوتاه، لایو، کانال، گروه و کامنت هم ساخته می‌شود، ما با فرهنگ سیاسی دیجیتال طرفیم. به عنوان مثال وقتی یک هشتگ درباره یک موضوع اجتماعی یا سیاسی در شبکه‌های اجتماعی ترند می‌شود، بسیاری از کاربران بدون حضور فیزیکی در خیابان، وارد کنش سیاسی شده‌اند. این فرهنگ، ویژگی‌هایی چون سرعت در انتشار اطلاعات (و اطلاعات نادرست)، امکان مشارکت گسترده، شکل‌گیری هویت‌های سیاسی مجازی، و گرایش به کنشگری سریع و گاهی هیجانی را در بر می‌گیرد. همچنین در فرهنگ

سیاسی دیجیتال، قدرت از بالا به پایین نیست؛ بلکه از طریق شبکه‌ها پخش می‌شود. یک خبر از یک کاربر شروع می‌شود؛ در کانال‌ها و گروه‌ها پخش می‌شود؛ بعد به رسانه‌ها می‌رسد و سپس موضوع عمومی می‌شود. به عنوان مثال اگر یک ویدئوی کوتاه از یک رخداد اجتماعی در چند ساعت میلیون‌ها بار دیده شود، یعنی شبکه‌های دیجیتال نقش مهمی در شکل‌دهی به دستور کار سیاسی دارند (Chadwick, 2017). نسل زد، بیش از هر نسل دیگری، در این فرهنگ تنفس می‌کند و درک این فضا برای تحلیل تربیت سیاسی آن‌ها ضروری است.

۴. تربیت سیاسی نسل زد در جمهوری اسلامی ایران

به زبان ساده، منظور از تربیت سیاسی نسل زد در جمهوری اسلامی ایران این است که: نسل زد چه چیزی درباره سیاست یاد می‌گیرد؟ از چه منابعی (خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه‌های رسمی و اجتماعی، دوستان، تجربه زیسته) یاد می‌گیرد؟ چه نوع مشارکت سیاسی (رأی دادن، کنشگری مدنی، اعتراض، گفت‌وگو، بی‌تفاوتی، یا فعالیت آنلاین) پیدا می‌کند؟ و چه ارزش‌هایی (وفاداری، نظم، قانون‌مداری، هویت دینی/ملی، عدالت‌خواهی، انتقادپذیری و...) به او منتقل می‌شود؟

۴-۱. کانون‌های اصلی تربیت سیاسی نسل زد

تربیت سیاسی نسل زد در ایران، فرآیندی چندوجهی است که در تعامل میان نهادهای رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرد:

۴-۱-۱. خانواده: همچنان به عنوان اولین کانون انتقال ارزش‌ها، تأثیرگذار است، اما نسل زد کمتر از والدین خود در معرض ایدئولوژی‌های سیاسی سنتی قرار می‌گیرند و بیشتر تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و رسانه‌ای جامعه قرار دارند.

۴-۱-۲. نظام آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها): نظام آموزشی رسمی، تلاش می‌کند تا مفاهیم انقلابی، دینی و ملی را به نسل زد منتقل کند. با این حال، محتوای کتب درسی اغلب سنتی و فاقد جذابیت لازم برای این نسل است. رویکردهای تدریس نیز غالباً مونولوگ‌محور بوده و فضای کافی برای پرسشگری و نقد انتقادی فراهم نمی‌کند (پروازی مقدم و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۴۷-۴۴۰) گرچه دانشگاه‌ها فضایی نسبتاً بازتر برای طرح دیدگاه‌های متفاوت دارند، اما این فضا نیز محدودیت‌های خاص خود را داراست.

۴-۱-۳. رسانه‌های سنتی و نوین: این بخش، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کانون تربیت سیاسی

نسل زد محسوب می‌شود. تلویزیون و رادیو، همچنان بخشی از سبدهای رسانه‌ای این نسل هستند، اما شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام، تلگرام، توئیتر، یوتیوب و...) نقش بسیار پررنگ‌تری ایفا می‌کنند. نسل زد اطلاعات سیاسی خود را عمدتاً از این فضاها دریافت می‌کند، جایی که روایت‌های متعددی در خصوص مسائل سیاسی و اجتماعی در جریان است. این امر، هم فرصت (دسترسی به اطلاعات متنوع) و هم چالش (مواجهه با اخبار جعلی، پروپاگاندا و اطلاعات غیردقیق) را به همراه دارد. برای مثال، در مطالعه‌ای که سیدآقای احمدی و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان «مطالعه اعتماد و اعتبار اخبار رسانه ملی در بین نسل زد از نظر خبرگان» انجام دادند، مشخص شد که نسل زد به اخبار ملی و مذهبی کمتر اعتماد دارد و بیشتر به منابع غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی تکیه می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که نهادهای فرهنگی - اجتماعی باید در فضای مجازی حضور موثرتری داشته باشند.

تحقیق دیگری در زمینه «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی نسل چهارم» چنین نتیجه‌گیری کرده است که شبکه‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن جنسیت بر سبک زندگی تأثیر یکسانی گذاشته‌اند و دختران همانند پسران، حقوق برابر، پوشش یکسان و اوقات فراغت متنوع‌تر را طلب می‌کنند؛ بنابراین باید شاهد هویت توده‌واری میان دختران و پسران باشیم (رضاییان و ادریسی، ۱۳۹۷: ۳۵). بنا به نوشته رضا صمیم در اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ ترین، که نسل جوان مهم نیروی حاضر در آنها بود، اقتصاد یگانه مضمون سامان دهنده اعتراضات نبود. بلکه آزادی زن نیز در آن اعتراضات مضمونی حاضر بود (صمیم، ۱۴۰۲).

۴-۱-۴. تجربه زیسته در جامعه: تعاملات روزمره در محیط‌های شهری، دانشگاهی، محل کار و فضاهای عمومی، تجربیات سیاسی مستقیمی را برای نسل زد فراهم می‌کند. مواجهه با مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و مشاهده نحوه عملکرد نهادهای حکومتی، نگرش‌های سیاسی آنها را شکل می‌دهد (رک فرهمند و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۵).

تحقیق دیگری با مطالعه حضور جوانان در حیات شبانه رو به روی باغ فردوس، انگیزه‌های جوانان از این حضور را ساختن الگویی متمایز از الگوی شهروندی مطلوب حکومت دانسته است. جوانان با پوشش و ظاهری متفاوت، با نواختن و گوش دادن به موسیقی‌های پاپ و راک، جمع شدن و برقراری تعاملات اجتماعی، از نظارت والدین و هنجارهای سیاست‌گذاران شهری فرار می‌کنند و اوقات فراغتشان را در فضایی خارج از کنترل خانواده و دولت می‌گذرانند (صمیم و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۶۸).

تمایل به نمایش تمایز، در استفاده نسل زد از فضای مجازی نیز دیده می‌شود. نسل زد کم

حاصله است. تمایل چندانی به نوشتن مطالب طولانی ندارد. الگوی رفتاری او در اینستاگرام به مثابه محبوب ترین و پرکاربرترین شبکه مجازی در ایران، بارگذاری تک عکس، کامنت های کوتاه و لایک است. مضمون عکس ها و کامنت ها و نوشته ها ی کوتاه همراه عکس ها، معمولاً بازنمایی زندگی خوب و موفق فردی است. زندگی ای که ایده آل است، افراد در آن حال خوشی دارند و خبری از مشکلات جهان واقعی در آن نیست. (خواجه بیان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۵).

جوانان از اینستاگرام برای نمایش خود استفاده می کنند و حریم خصوصی شان را در این فضا به اشتراک می گذارند (سامانی و فراهانی، ۱۳۹۵: ۸۵). آن ها موفقیت را در دسترس می خواهند، میل به «دستیابی به نتایج سریع و آنی» دارند و تلاش می کنند همان را به نمایش بگذارند و نشان بدهند که متمایزند (هاشمی و نصیبی، ۱۴۰۰). تحقیقی در مورد نیت های طبقات متوسط و بالا خاطر نشان می کند که نیت ها حاضرند برای جلب فالوور و لیک و کامنت دست به هر کاری بزنند (نادری، ۱۴۰۱).

۵-۱-۴. تأثیرات فرهنگی و اجتماعی گسترده تر: جهانی شدن، دسترسی به فرهنگ ها و

ایده های متنوع از سراسر جهان، و مواجهه با مسائل جهانی (مانند تغییرات اقلیمی، عدالت اجتماعی) بر دیدگاه های نسل زد تأثیر گذاشته و گاهی این دیدگاه ها را با ارزش های سنتی جامعه در تضاد قرار می دهد. احمدی و کریمی نیز در مطالعه ای با عنوان «تنزل تمکین / کاهش تسلیم»، نشان دادند که نسل زد در ایران به ارزش های فرهنگی نسل های قبلی به صورت انتقادی نگاه می کند و تمایلی به پذیرش بدون تأمل آن ها ندارد. این نگرش به خوبی در نحوه تعامل نسل زد با فرهنگ بومی نیز ظاهر می شود (احمدی و کریمی، ۱۴۰۳: ۱۰-۵). بنابراین، برای بازتولید فرهنگ بومی در میان نسل زد، لازم است روش های نوین ارتباطی و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. این روش ها باید مبتنی بر تعامل، شناخت فرهنگی و استفاده از ابزارهای دیجیتال باشد.

۴-۲. محتوا و رویکردهای غالب در تربیت سیاسی نسل زد

محتوای تربیت سیاسی که نسل زد در ایران با آن مواجه است، عمدتاً بر محورهای زیر استوار است:

۴-۲-۱. ارزش های انقلابی و دینی: تأکید بر مفاهیم انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، جهاد،

شهادت، و ارزش های اسلامی.

۴-۲-۲. مفاهیم قانون اساسی و نظام سیاسی: آشنایی با ساختار نظام، حقوق و تکالیف

شهروندی در چارچوب قانون اساسی.

۴-۲-۳. هویت ملی و تاریخ معاصر: روایت هایی از تاریخ ایران، به ویژه دوران انقلاب و دفاع مقدس.

۴-۲-۴. چالش‌های جهانی: معرفی تهدیدات خارجی، استکبار جهانی و ضرورت مقاومت. اما رویکرد غالب در ارائه این محتوا، غالباً مونولوگ محور، شعاری و فاقد عمق تحلیلی و استدلالی است که برای نسل زد، که به دنبال درک چرایی مسائل و یافتن راه‌حل‌های منطقی هستند، جذابیت چندانی ندارد (احمدی و کریمی، ۱۴۰۳: ۱۹-۱۶). در مقابل، روایت‌های غیررسمی در فضای مجازی، اغلب جذاب‌تر، انتقادی‌تر و مبتنی بر تجربیات زیسته مخاطب هستند. این شکاف میان روایت رسمی و غیررسمی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های تربیت سیاسی این نسل است.

۵. تأثیر تربیت سیاسی نسل زد بر توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

۱-۵. فرصت‌ها (پیشران توسعه سیاسی)

۱-۱-۵. افزایش پتانسیل مشارکت سیاسی آگاهانه: نسل زد به دلیل دسترسی آسان به اطلاعات، پتانسیل بالایی برای درک مسائل سیاسی و اجتماعی و مشارکت آگاهانه در فرآیندهای مدنی دارد. استفاده از ابزارهای دیجیتال (کمپین‌های آنلاین، امضای طومارها، اطلاع‌رسانی سریع) می‌تواند به افزایش سطح مشارکت کمک کند.

۱-۲-۵. مطالبه‌گری برای شفافیت و پاسخگویی: نسل زد، تحت تأثیر فرهنگ دیجیتال، تمایل بیشتری به شفافیت و پاسخگویی نهادها دارد. آن‌ها در فضای مجازی، صداهای خود را برای طرح انتقادات و پیگیری مطالبات (مانند مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی) بلندتر می‌کنند. این مطالبه‌گری می‌تواند به عنوان فشاری مثبت برای اصلاح عملکرد نهادها و تقویت مولفه پاسخگویی در توسعه سیاسی عمل کند.

۱-۳-۵. ایجاد گفتمان‌های جدید سیاسی و اجتماعی: نسل زد با دیدگاه‌های متفاوت و تجربیات منحصر به فرد خود، می‌تواند گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی جدیدی را شکل دهد که پاسخگوی نیازها و چالش‌های روز جامعه باشد. این امر به پویایی جامعه و جلوگیری از رکود فکری کمک می‌کند.

۱-۴-۵. تقویت فرهنگ سیاسی مبتنی بر گفتگو: اگرچه گاهی فضای مجازی با تنش همراه است، اما ظرفیت بالایی برای گفتگو میان افراد با دیدگاه‌های مختلف نیز فراهم می‌کند. نسل زد می‌تواند با پذیرش تنوع دیدگاه‌ها و تلاش برای درک متقابل، به تقویت فرهنگ سیاسی مبتنی بر گفتگو و مدارا کمک کند.

۲-۵. چالش‌ها (مانع توسعه سیاسی)

۲-۵-۱. شکاف نسلی و فرهنگی: تفاوت‌های اساسی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی میان نسل زد و نسل‌های مسن‌تر (به‌ویژه نخبگان و تصمیم‌گیران)، می‌تواند منجر به سوءتفاهم، عدم درک متقابل و کاهش اثربخشی ارتباطات شود (احمدی و کریمی، ۱۴۰۳: ۱۶-۱۳). روایت‌های سنتی ممکن است برای نسل زد قابل پذیرش نباشد و بالعکس.

۲-۵-۲. خطر پوپولیسم و احساسات‌گرایی: سرعت بالای انتشار اطلاعات در فضای مجازی و تاثیرگذاری احساسات بر تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند نسل زد را در معرض انواع پوپولیسم، اطلاعات نادرست و پروپاگاندا قرار دهد. این امر، به جای مشارکت آگاهانه، می‌تواند منجر به رفتارهای هیجانی و غیرعقلانی در صحنه سیاسی شود. در جمهوری اسلامی ایران و در دهه ۹۰ شمسی توجه به آن‌ها در تحلیل موج اقبال به فرهنگ کره ای و به ویژه گروه‌های موسیقی آن کشور جلب شد (ذکایی و عزیزی همدانی، ۱۳۹۴). اما در این زمان آن‌ها چندان تبدیل به مسأله‌ای عمومی در جامعه نشده بودند. اعتراضات ۱۴۰۱ نقطه عطفی بود که دهه هشتادی‌ها را کانون توجه قرار داد. بارها در رسانه‌ها تکرار شد که آن‌ها محور اعتراضات هستند. چه رسانه‌های رسمی و دولتی و چه رسانه طرفدار اپوزیسیون دهه هشتادی‌ها را نسلی «متفاوت» نشان دادند. در رسانه‌های رسمی و دولتی گفته می‌شد که نسل زد واقعیت اجتماعی را با فضای مجازی اشتباه گرفته است. از نظر این رسانه‌ها «نسل زد» افرادی بودند که جامعه‌پذیری‌های شان در بازی کامپیوتری شکل گرفته و جهان واقعی را به شکل همین مدل‌ها بازی می‌کنند و در واقعیت بر اساس قواعد بازی عمل می‌کنند. آن‌ها مواد مخدر مصرف می‌کنند، و از خود بی‌خود می‌شوند و سپس ملهم از بازی‌های کامپیوتری دست به اعمال نابخردانه می‌زنند که در ایام هوشیاری از آن‌ها پشیمان می‌شوند. رسانه‌های اصلاح طلب آن‌ها را نسلی متفاوت، ناامید از آینده و معترض تصویر می‌کرد که دست به خشونت کور و سازمان نیافته می‌زند. رسانه‌های اپوزیسیون هم از دهه هشتادی‌ها، نسلی متهور و شجاع تصویر می‌کردند که قصد هیچگونه مماشاتی با حکومت ندارد و این بار تا آخر کار بی‌هیچ گونه هراسی خواهد ایستاد (ذاکری و روشنفکر، ۱۴۰۳: ۳۳-۳۱).

۲-۵-۳. بی‌تفاوتی سیاسی یا کناره‌گیری: اگر نسل زد احساس کند که صداهایشان شنیده نمی‌شود، مطالباتشان نادیده گرفته می‌شود، یا کنش سیاسی آن‌ها اثربخشی لازم را ندارد، ممکن است دچار سرخوردگی شده و به سمت بی‌تفاوتی سیاسی یا کناره‌گیری از مشارکت سوق داده شود. این

پدیده، یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای توسعه سیاسی است.

۴-۲-۵. گسست از نهادهای واسط (چالش): احزاب سیاسی در ایران به دلیل ضعف ساختاری، نتوانسته‌اند این نسل را جذب کنند. در نتیجه، نسل زد به جای کانالیزه شدن در «مجرای توسعه سیاسی»، به سمت «سیاست خیابانی» یا «انفعال مدنی» سوق پیدا می‌کند. این وضعیت، توسعه سیاسی را به «تغییرات ناگهانی و غیرپیش‌بینی‌پذیر» مستعد می‌کند تا «تغییرات تکاملی و نهادمند» (دارابی، ۱۴۰۴).

۵-۲-۵. چالش‌های مربوط به هویت سیاسی: گرایش نسل زد به هویت‌های چندگانه و جهانی، گاهی می‌تواند با هویت ملی و دینی مورد تأکید نظام سیاسی در تضاد قرار گیرد. مدیریت این تنوع هویتی و ایجاد هم‌افزایی میان آن‌ها، یکی از چالش‌های مهم تربیت سیاسی است.

۶-۲-۵. فردگرایی ابزاری: توسعه سیاسی نیازمند «کنشگری جمعی» است، اما تربیت سیاسی نسل زد به دلیل فشار اقتصادی و فضای ناامیدی، بیشتر به سمت «فردگرایی» یا «مهاجرت» تمایل پیدا کرده که این خود، پارادوکس بزرگی برای توسعه سیاسی درون‌زا ایجاد می‌کند.

۶-۲-۵. محدودیت‌های فضای رسانه‌ای: اعمال محدودیت‌ها بر فضای مجازی و رسانه‌ها در ایران، اگرچه با هدف کنترل اطلاعات صورت می‌گیرد، اما می‌تواند مانع از شکل‌گیری گفتمان‌های سالم، رشد انتقادی نسل زد و افزایش شفافیت شود (نصراللهی، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تربیت سیاسی نسل زد در جمهوری اسلامی ایران، صحنه نبرد میان فرصت‌ها و چالش‌هاست. از یک سو، این نسل با ویژگی‌های دیجیتال، پتانسیل بالایی برای مشارکت فعال، مطالبه‌گری و ایجاد تحولات مثبت در حوزه توسعه سیاسی دارد. از سوی دیگر، شکاف نسلی، ضعف در نهادهای آموزشی رسمی برای جذب این نسل، و محدودیت‌های فضای رسانه‌ای، می‌تواند این پتانسیل را تضعیف کرده و حتی به مانعی برای توسعه سیاسی تبدیل نماید. نسل زد در ایران دیگر «ابژه» (موضوع) سیاست نیست، بلکه به دنبال بازتعریف خود به عنوان «سوژه» (فاعل) است. اگر این انرژی به درستی در ساختارهای مدنی و حزبی کانالیزه نشود، تربیت سیاسی نسل زد می‌تواند به جای «توسعه‌بخش بودن»، به عاملی برای «بی‌ثباتی ساختاری» تبدیل شود که در آن، شکاف بین ملت و دولت به مرحله‌ای غیرقابل‌بازگشت می‌رسد. وضعیت کنونی نشان می‌دهد که بدون بازنگری جدی

در رویکردهای تربیت سیاسی، نمی‌توان انتظار داشت که نسل زد به طور کامل به پیشران توسعه سیاسی تبدیل شود. فی الواقع توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی بدون به رسمیت شناختن «عاملیت» نسل زد و تغییر در پارادایم‌های تربیتی، با بن‌بست یا فرسایش روبرو خواهد بود. در بیانی دقیق‌تر توسعه سیاسی در ایران دیگر با روش‌های قدیمی ممکن نیست و نیازمند درک عمیق از روان‌شناسی نسل زد، پذیرش فضای دیجیتال به عنوان عرصه اصلی سیاست، و ایجاد مکانیزم‌های مشارکتی جدید است. و این امر در گرو توانمندسازی و مشارکت فعال همه اقدشار جامعه، به ویژه نسل جوان است. همچنین تربیت سیاسی نسل زد، اگر با رویکردی واقع‌بینانه، منعطف و با در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصر به فرد این نسل صورت پذیرد، می‌تواند به موتور محرکه قدرتمندی برای پیشبرد اهداف توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود.

بر این اساس برای همسوسازی تربیت سیاسی نسل زد با اهداف توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. اصلاح و بازنگری در محتوا و روش‌های آموزشی همچون:
 - تجدید نظر در کتب درسی و منابع آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها با رویکردی نسل زد محور؛
 - تمرکز بر تحلیل، استدلال و پرسشگری به جای حفظ کردن مطالب؛
 - استفاده از روش‌های نوین و تعاملی در آموزش (مانند بحث‌های گروهی، مطالعات موردی، بازی‌های شبیه‌سازی سیاسی)؛
 - آموزش سواد رسانه‌ای به نسل زد برای مواجهه هوشمندانه با اطلاعات در فضای مجازی و تشخیص اخبار جعلی.
۲. ایجاد فضاهای امن برای گفتگو و تبادل نظر همچون:
 - تأسیس کرسی‌های آزاداندیشی و مناظرات سازنده در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی با حضور اساتید، دانشجویان و کارشناسان؛
 - تشویق گفتگو میان نسل‌ها برای کاهش شکاف نسلی و درک بهتر دیدگاه‌های یکدیگر.
۳. استفاده هوشمندانه از ظرفیت رسانه‌های نوین همچون:
 - تولید محتوای جذاب، مستند و تحلیلی برای نسل زد در پلتفرم‌های پرکاربرد (مانند اینستاگرام، یوتیوب، توئیتر) توسط نهادهای رسمی، با رعایت استانداردهای حرفه‌ای؛
 - ایجاد کانال‌های ارتباطی دوطرفه با نسل زد در فضای مجازی برای شنیدن نظرات و

پاسخگویی به سوالات.

۴. توجه به مطالبات و تجربیات زیسته نسل زد همچون:

- نهادهای مسئول باید به مطالبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسل زد توجه کرده و سازوکارهایی برای پاسخگویی به آنها طراحی کنند؛

- درک و پذیرش تنوع هویتی نسل زد و تلاش برای ایجاد انسجام ملی مبتنی بر ارزش‌های مشترک.

۵. پژوهش و پایش مستمر همچون:

- انجام تحقیقات میدانی و پیمایشی مستمر برای درک بهتر تحولات فکری، ارزشی و رفتاری

نسل زد؛

- ارزیابی اثربخشی برنامه‌های تربیت سیاسی اجرا شده و اصلاح آنها بر اساس نتایج پژوهش‌ها.

منابع

- احمدی، یعقوب و کریمی، نینا(۱۴۰۳). تنزل تمکین/کاهش تسلیم (مناسبات نسلی نسل زد بر اساس فراترکیب پژوهش‌های موجود)، جامعه‌شناسی ایران، ۲۵(۲)، ۳۳-۵.
- اسدی، عباس؛ سید فضل؛ سید هادی و اسمعیل رعیت، هلیا(۱۴۰۴). سنجش رویکرد نسل Z در ایران به شاخص‌های مذهبی و فرهنگ بومی، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۷(۳)، ۷۵-۸۸.
- الیاس، جان(۱۴۰۰). فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبد الرضا ضرابی، چ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- پارساکیا، کامدین؛ رستمی، مهدی؛ سعادت، نادره؛ نوایی نژاد، شکوه و دربانی، سیدعلی(۱۴۰۲). تبیین مفهوم انفصال نسلی در مطالعه نسل زد، مطالعات و تازه‌های روانشناختی نوجوان و جوان، ۱(۲)، ۱۸۱-۱۷۴.
- پروازی مقدم، زهرا؛ فتاحی واجارگاه، کوروش؛ پوشنه، کامبیز و خسروی بابادی، علی اکبر(۱۴۰۲). واکاوی برنامه درسی متناسب با ویژگی‌های نسل Z، نظریه و عمل در برنامه درسی، ۱۱(۲۱)، ۳۹۱-۴۵۲.
- خواجه بیان، داتیس؛ صلواتیان، سیاوش؛ کلی، شقایق و سلطانی، توحید(۱۳۹۹). انگیزه‌ها و الگوهای هشتگ‌گذاری بومیان دیجیتال ایرانی در اینستاگرام، مطالعات رسانه‌های نوین، ۶(۲۳)، ۱۵۵-۱۸۸.
- دارابی، علی(۱۳۹۱). مردم‌سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی، ۵(۱۸)، ۸۹-۶۱.
- دارابی، علی(۱۴۰۴). جریان‌شناسی سیاسی در ایران، چ۲۵، تهران: انتشارات: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دوست محمدی، حسین و عباس زاده مرزبالی(۱۴۰۲). زمینه‌ها و پیامدهای مشارکت نسل Z در تش‌های سیاسی-اجتماعی ایران (۱۴۰۱-۱۳۹۶)، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۹(۷۳)، ۷۱-۱۰۲.
- ذاکری، علیرضا و روشنفکر، پیام(۱۴۰۳). سنخ‌شناسی جامعه‌شناختی نسل زد: در نقد نسل‌گرایی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۹(۷۶)، ۵۹-۳۱.
- رضاییان، عالیه و ادریسی، سمانه(۱۳۹۷). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی نسل چهارم، مطالعات میان‌فرهنگی، ۹(۳۴)، ۳۶-۹.

زارعی، بهادر؛ محسنی، سیدضیا و افضل‌ی، رسول (۱۳۹۸). تبیین اثرات شکاف نسلی بر هویت اجتماعی - سیاسی دانش آموزان شهر تهران، مجلس و راهبرد، ۱۵(۹۸)، ۳۰۳-۳۳۵.

سامانی، سمانه و فراهانی، اعظم (۱۳۹۵). هویت آنلاین و اینستاگرام (مطالعه‌ی چگونگی نمایش هویت جوانان در اینستاگرام)، رسانه، ۲۶(۱۰۳)، ۸۵-۱۰۴.

سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰). ضرورت مشارکت سیاسی نسل سوم جوانان در ایران، نقد تشکل‌های مشارکتی و پیشنهاد مدل کارآمد، سیاست، ۴۱(۲)، ۱۹۵-۱۷۹.

سیدآقایی احمدی، سیده زهرا؛ شاکری نژاد، محسن و البرزی دعوتی، هادی (۱۴۰۳). مطالعه اعتماد و اعتبار اخبار رسانه ملی در بین نسل زد از نظر خبرگان، مطالعات میان رشته‌ای ارتباطات و رسانه، ۷(۲۶)، ۳۴-۵.

صمیم، رضا (۱۴۰۲). مواجهات نسلی و ثبات سیاسی در ایران معاصر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

صمیم، رضا؛ صمدانی، سید مانی و حبیبی، میترا (۱۴۰۱). تولید فضای زیسته از طریق بازی در فضاهای عمومی شهری بازی شبانه‌ی شهروندان در فضای باز باغ فردوس، خیابان ولیعصر (عج) تهران، توسعه محلی (روستائی - شهری)، ۱۴(۲)، ۴۸۷-۴۶۸.

فتحی، سروش، و مطلق، معصومه (۱۳۹۰). جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات)، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۵)، ۱۷۷-۱۴۵.

فرهمنده، مهناز؛ صبوحی گلکار، زینب و میرجلیلی، زهرا (۱۴۰۳). زیست جهان متحول: مطالعه کیفی بازاندیشی جنسیتی دختران نسل زد، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۳(۲)، ۱۴۵-۱۱۵.

کشاوری، هادی (۱۴۰۲). هویت یابی دیجیتال نسل نوجوان و منازعه در سپهر اجتماعی (چارچوبی برای تحلیل)، پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ۴(۱۶)، ۲۶-۱.

کوثری، مسعود (۱۳۸۷). نسل‌های ایکس، وی و زد و سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران، راهبرد فرهنگ، ۴(۱۳)، ۶۲-۳۲.

نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۹). الگوی سیاست‌های مطلوب پالایش (فیلترینگ) فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات رسانه‌های نوین، ۶(۲۳)، ۱۱۵-۱۰۵.

هاشمی، سیدضیاء و نصیبی، مرجان (۱۴۰۰). بررسی هویت جوان ایرانی با تأکید بر نقش منابع هویت ساز در جامعه شبکه‌ای (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)، مجلس و راهبرد، ۱۰(۴۰)، ۹۷۵-۹۹۸.

Abou Karam, S. (2023). "Social Media and the Youth Activism: The Case of Generation Z in Iran". *Journal for Iranian Studies*, 7(17), pp.7-18.

Chadwick, Andrew (2017). *The Hybrid Media System: Politics and Power*, Oxford University Press.

Hagopian, Frances (2000). "Political Development, Revisited", *Comparative Political Studies*, Vol. 33, No. 5-7, pp. 880-911.

Kahne, J., Hodgins, E., & Eidman-Aadahl, E. (2017). *Redesigning Civic Education for the Digital Age: Participatory Politics and the Pursuit of Democratic Engagement*. Teachers College Press.

O'Connor, K. (2020). "Generation Z: Changing the Dynamics of the Political landscape". *Journal of Political Marketing*, 19(1), pp.1-21.

Pye, Lucian W and Verba, Sidney (1965). *Political Culture and Political Development*, Princeton University Press: London, Oxford. University Press.

Papacharissi, Zizi (2015). *Affective Publics: Sentiment, Technology, and Politics*, Oxford University Press.